

افغانستان و تبعات توافق هسته ای ایران و غرب

عبدالرحمن فهیمی

سرمقاله

نامه طالبان و وضعیت موجود

محمد رضا هویدا

رمضان ماه رحمت الهی به سر آمد. عید، با تمام خوشی و جنجال های خود در راه است و به زودی میهمان مردم مسلمان افغانستان خواهد شد. در این ماه رمضان، مردم افغانستان انتظار داشتند که جنگجویان به احترام این ماه که یکی از ماه های حرام است، آتش بس کرده و از کشتار مردم بیگناه خودداری کنند.

اما طالبان بر خلاف اصول و اساسات دین اسلام، جنگ و حمله را بر مردم و مناطق بیشتر از هر زمانی ساخته اند. بیانه طالبان به تازگی منتشر شده است، نشان میدهد که طالبان اندک تغییری در مواضع خود به وجود آورده اند. این تغییرات به دلایل مختلفی می تواند به وجود آمده باشد.

ملا عمر در بیانه اش که در وب سایت طالبان نشر شده، گفته است: «اگر ما به رهنمودهای دینی ببینیم، در می یابیم که دیدارها و حتی تعامل صلح آمیز با دشمنان ممنوع نشده است.»

ملا عمر افزوده است: «فعلاً در کنار جهاد مسلحانه، فعالیت سیاسی و راه های صلح آمیز برای رسیدن به هدف مقدس یک اصل مشروع اسلامی است.»

در ماه های اخیر چندین نشست غیررسمی میان نمایندگان طالبان و مقام ها و فعالان جامعه مدنی افغانستان در خارج از این کشور صورت گرفته است.

اما نشست هفته گذشته به عنوان دیدار رسمی گامی به جلو خوانده می شود.

یکی از این دلایل این است که طالبان اکنون رقیب جدیدی یافته اند و آن هم گروه داعش است. داعش گروهی تازه به وجود آمده در افغانستان است.

داعش مناطق تحت کنترل طالبان را تهدید می کند. شماری از کسانانی که عضو طالبان بوده اند، به سوی این گروه متغایب شده اند. قدرت یابی داعش در مناطق طالبان این گروه را نگران کرده است. این نگرانی در نامه ای به خلیفه داعش در عراق به خوبی دیده می شود. طالبان نمی خواهند به هر صورتی که شده، جایگاه ویژه شان را از دست بدهند. آنان در این مدت تنها اپوزیسیون مسلح در افغانستان بوده است.

از سویی این نگرانی و چرخش در سیاست، نشان می دهد که طالبان به هر طریقی که باشد، به این باور نزدیک شده اند که راه حل بحران افغانستان نیست. بحران افغانستان تنها راهی که داشته باشد، رسیدن به توافق و گفتگو برای زندگی در این کشور است.

همزمان با این بیانه، طالبان در جبهه وسیعی علیه دولت و مردم افغانستان می جنگند. طالبان هم اکنون در شمال در مناطق زیادی می جنگند. طالبان به وضوح می خواهند جغرافیای جنگ را به طور کل تغییر بدهند.

حرکت خزنه طالبان به سوی مرکز و شمال، برای افغانستان خطرناک است. خطری اصلی که افغانستان را تهدید می کند، این است که جنگجویان در حقیقت بنا تغییر جغرافیای جنگ می خواهند افغانستان را به عنوان یک پایگاه برای تروریسم و افراط گرایی برای کنترل منطقه بسازند.

طالبان سالهاست که علیه دولت افغانستان می جنگند. تغییر محسوسی که در این بیانه دیده می شود برای مردم افغانستان جالب و تازه است. آن طوری که در بیانه گفته شده است، طالبان به بسیاری از حقوقی که تا کنون باور نداشتند احترام خواهند داشت.

دولت افغانستان نمی تواند به صرف نشر اعلامیه ای از سوی طالبان، ملاک خود را صرف یک اعلامیه قرار دهد. طالبان هم اکنون با جدیت در مقابل دولت می جنگند.

ده ها تن تنها در همین ماه به شهادت رسیده اند. طالبان مسئولیت این حملات را نیز قبول کرده اند.

بنا بر این طالبان با نشان دادن وضعیت در حقیقت به دنبال تثبیت وضعیت خود و گرفتن بیشتر امتیاز در هنگام گفتگوها است. دولت افغانستان اگر به همین وضعیت بگذرد و نتواند جواب مناسبی بگوید، در هنگام مذاکرات از موضع گویی ضعف برخوردار خواهد کرد.

پیش از یک دهه است که «ایران و قدرت» های غربی بر سر برنامه ای هسته ای ایران اختلاف نظر داشته و تنش را تجربه می کردند.

تیم های سیاسی به قدرت رسیده در «کاخ های سفید و سعد آباد» در افزایش و کاهش تنش ها نقش داشتند. از این رهگذر زمان که یک جمهوری خواه سکان دار کاخ سفید و یک اصول گرا سکان دار کاخ سعد آباد باشد، روابط بین ایران و غرب به شدت تنش آلود می شود به گونه ای که از روی میز بودن گزینه ای نظامی سخن زده می شود. اما زمان که یک دموکرات در آمریکا و یک میانه رو یا اصلاح طلب در ایران بر سر قدرت باشند، روابط دو کشور با روابط ایران و مجموعه غرب به سمت کاهش تنش و تمسک جستن به رویکرد دیپلماسی حرکت می کند.

بارک اوباما دموکرات در کاخ سفید بود. گرچه تحریم های شدیدی را علیه ایران وضع کرده و این کشور را زیر فشارهای شدید اقتصادی قرار داد، اما شرایط سیاسی نسبت به زمان جورج بوش اندک بهتر می نمود. در این فرصت محمود احمدی نژاد تندرو رفت و حسن روحانی میانه رو جایگزین ایشان گردید.

روحانی قبلاً در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی مسئولیت پیش برد مذاکرات اتمی را بردوش داشت و از این رهگذر با به قدرت رسیدن اش امیدواری های فراوان در داخل ایران و خارج پدید آمد.

سر انجام دولت به ریاست حسن روحانی و چهره های دیپلماتیک و مذاکره کننده را که او موظف کرده است، با وزیران خارجه و دیپلمات های غربی به توافق های دست یافته اند. خوش بینی های فراوان در ایران و سیاست بین الملل به وجود آمده است. به جز از اسرائیل و دولت های عربی خاورمیانه، همگی این توافق را به دیده مثبت نگریسته و از آن استقبال کرده اند. کشور ما هم از توافق هسته ای میان دو طرف استقبال کرده است.

حالا پرسش این جاست که توافق هسته ای میان ایران و مجموعه غرب چه تبعات را برای افغانستان دارد؟ تبعات سیاسی توفیق چیست؟

به نظر می رسد که دو بحث را می شود در این جا مطرح کرد. نخست، توافق سیاسی میان ایران و غرب و آمریکا که در نتیجه به بهبودی روابط سیاسی میان دو طرف منجر شده و سطح همکاری های سیاسی گسترده خواهد شد و دوم این که توافق هسته ای باعث قدرتمند شدن ایران و نقش بیشترش در سطح منطقه می شود و این امر برای دولت های منطقه ای رقیب مانند عربستان سعودی و هم پیمانان اش قابل پذیرش نخواهد بود.

۱- بهبود روابط و افزایش سطح همکاری های سیاسی بدون تردید ایران یکی از قدرت های منطقه ای تأثیرگذار در سطح منطقه است. سیاست خارجی و موضع گیری های این کشور، دولت های منطقه ای از جمله افغانستان را متأثر کرده می کند و خواهد کرد. همکاری ایران با آمریکا جهت برچیدن عراق در زمینه های مختلف از جمله در راستای مبارزه با گروه تندرو و افراطی داعش و ناتوانی مجموعه غرب در برچیدن و نیز بشار اسد، حکایت گر این است که این کشور از قدرت های مهم و تأثیرگذار منطقه ای بوده و نمی توان آن را نادیده انگاشت.

پس از سال ۲۰۰۱ که کشور، حضور و نقش آمریکا و دولت های غربی را در فضای سیاسی تجربه کرده است، با این که موضع ایران حمایت از نظم و ثبات سیاسی موجود و نیز پشتیبانی از دولت مرکزی بوده است، اما بدون شک، خصومت و دشمنی های اش با آمریکا، تأثیر داشته است. یکی از سفیران ایران در کابل گفت که دشمن ما در افغانستان و نزدیک مرزهای ما حضور دارد، پس چطور می شود که ما راحت و بدون نگرانی باشیم. این گونه برداشت می شود که این کشور، نسبت به حضور آمریکا در کشور به دیده تردید نگریسته و بدون



دوران جنگ سرد، شوروی در چهارچوب حمایت از دولت کمونیستی کابل و آمریکا و متحدینش در چهارچوب حمایت از آزادی خواهان و مبارزین در برابر اشغال، کشور را به میدان جنگ تبدیل کرده و تصفیه می کردند در این جا تصفیه دیگری پس از قدرت یافتن مجاهدین، دیری نگذشت که گروه به نام طالب سرکشیدند و سال ها کشور را به میدان جنگ تبدیل کرد. در این وضعیت نیز آمریکا به دنبال سیاست های جهانی و قدرت های منطقه ای به دنبال تصفیه حساب های خود بود. و اکنون نیز نگرانی این است که باز شدن دست ایران در منطقه و قدرتمندتر شدن اش، رقیبان منطقه ای اش را حساس کرده و افغانستان را به میدان جنگ های خطرناک تبدیل کند. جنگ که می توان به هر نام آن را توصیف کرد و رییس جمهور ما آن را جنگ نیابتی می خواند.

رقت. بنابراین، این امر به نفع کشور خواهد بود.

۲- تنش منطقه ای همان گونه که پیشتر تذکر رفت و این بحث به صورت گسترده در تحلیل های سیاسی برجسته می نماید، ناخشنودی اسرائیل و جهان عرب از توافق هسته ای میان آمریکا، غرب و ایران است. اسرائیل اعلام کرده که به چنین توافقی های اعتماد نداشته و اقدامات خود را انجام می دهد و دولت عربستان سعودی نیز عملاً در تقابل سیاسی با ایران به سر می برد. رقیبان سیاسی ایران و دوستان آمریکا می دانند که نزدیکی ایران و آمریکا باعث قدرتمند شدن این کشور خواهد شد. از این رو، این کشور بیشتر تأثیرگذار شده و قدرت چالشی آفرینی در برابر منافع و مواضع آن ها را می یابد.

یکی از کشورهای که به میدان منازعات سیاسی قدرت های منطقه ای در سطح منطقه تبدیل شده است، کشور ماست. در

شک که دست به اقدام های زده است. از این نظر، با این که دولت افغانستان بنا بر مصحلت های سیاسی همواره گزارش های مبنی بر دست داشتن ایران در نا امنی های غرب کشور را رد کرده است، اما گزارش های قریب به حقیقت نشر شده که ایران برخی از گروه های طالبان را آموزش نظامی داده، سلاح و مهمات داده و بسیج کرده است.

سال های گذشته زمان که بحث پیمان استراتژیک و بعداً توافق نامه دفاعی و امنیتی میان افغانستان و آمریکا مدت ها مورد بحث بود، یکی از کشورهای که با تمام قوت تلاش کرد مانع امضای پیمان گردد، ایران بود.

به هر صورت، بهبود روابط میان آمریکا و ایران باعث می شود که سطح همکاری های سیاسی میان دو طرف در منطقه از جمله در امور افغانستان بیشتر گردد. دو طرف به عرضی این که در سدد تخریب باشند، به صورت مشترک پیش خواهند

ده اصل عملکرد نظریه توطئه

نویسنده: بلویت بریول / ترجمه: شهباز نخعی / قسمت اول

هنگامی که مقصرتعیین شد، پیروان نظریه توطئه به تعقیب همه «جزئیات مبهم و تیره» و «غیرعادی» های می پردازند که امکان می دهد با روایت رسمی مخالفت کنند و دستگامی برای غلبه بر

(...) اولاد با سرعتی قابل ملاحظه توانست از این سوء قصد، بدون آن که بهبودی در وضعیت اقتصادی یا اجتماعی فرانسه ایجاد شده باشد، موقعیتش را به نحوی شگفت انگیز در نظر سنجی ها

از من)». قدرت اغواگری این نظریه ها همچون تمسکی بر ظاهر علمی و معقول آنها است. متن های توطئه گرایان پراز یادداشت های پایین صفحه، رجوع به اسناد و مدارک و طرح و ترسیم هایی است که به آنها شکل و شمایل دانشگاهی می دهد. مقاله ای با عنوان «فروریزی چادویی برج های مرکز تجارت جهانی ۷» در تاریخ «بازگشایی ۹۱۱» نمونه ای از این نوع است. طرح هایی سه بعدی، تصاویر هوایی، ویدیوهای جدی و فنی (که یکی از آنها بیش از دو ساعت است). پژوهش یک «پژوهشگر پیشین مرکز ملی پژوهش های اجتماعی در زمین شناسی و ژئوفیزیک و متخصص امواج صوتی» یا حتی یک «سند تحلیل انجام شده توسط آرشیوتکت ها و مهندسان نشان می دهد که فروریزی ساختمان ها بر اثر یک عملیات تخریب برنامه ریزی شده بوده است. در پس این نقاب دانشمندان، در واقع یک شبکه اطلاعاتی مدار بسته پنهان است که در آن تارنماهای توطئه گرا برای تارنماهای دیگری از جنس خود اطلاعات ارایه می کنند و سپس کتاب هایی توسط موسسات نشر توطئه گرا (مانند نشر همی لون در فرانسه) منتشر می شود و کارهای پژوهشگرانی حاشیه نشین که کارهایشان در محافل دانشگاهی مورد جدل و مناقشه است، این مدار بسته را کامل می کند. این شیوه عملکرد را آشکارا می توان در شبکه ولتر یافت که میساز آن به عنوان ماخذ استفاده می کند.

چهار - طرح پرسش: جنایت به سود کیست؟

تارنمای «دیودونه» به نام «کنل پلوس» در مورد سوء قصد های شکاری ابدو می پرسد: «به راستی چه کسی حمله را انجام داد؟». «آمر آن چه کسی بوده؟ جنایت به سود چه کسی است؟». با امکان تعیین مسئول برای هر رویداد، پرسش اخیر منشأ همه نظریه های توطئه است. آیا میزان محبوبیت آقای فرانسوا اولاند پس از کشتارهای ۷ و ۹ جنوری ۲۰۱۵ درباریس افزایش شدید یافت؟ برای «مدیا-پرس انفو» چیزی بیش از این لازم نیست که موزیانه پدرخواندگی رویداد را به رییس جمهوری فرانسه نسبت دهد. یکی از کاربران می پرسد: «آیا این سوء قصد توسط سرویس های مخفی دسیسه چینی شده بود؟ تردید نیست که عوامل ایهام بخش و تیره کننده ای وجود دارد

یک - هرگز از توطئه حرف نزنید (من، توطئه، هرگز)».

در انقلاب فرانسه، تا هراس انگیزترین جنبه های آن، همه چیز پیش بینی شده، اندیشیده، تنظیم شده، قطعی و شکل گرفته بود. همه چیز توسط کسانانی ترتیب داده شده بود که مدتی طولانی تارهای دسیسه را در انجمن های مخفی بهم بافته بودند و آگاهانه در انتظار لحظه مناسب برای توطئه بودند. در پایان قرن هجدهم، هنگامی که آگوستین دو باروتل، راهب، سطرهای بالا را نوشت، آنها را که در همه جا توطئه می بینند از آن استقبال کردند. آنها از دسیسه چینی، انجمن مخفی و دوز و کلک چیدن سخن می گویند. امروز، واژگان تغییر یافته است. آن سوال در سال ۲۰۱۱ در راه دو بین المللی فرانسه چنین توضیح می دهد: «به گمان من این واژه



رقیب بسازند. به عنوان نمونه، با آن که برخی از استدلال های مربوط به فروریزی برج های مرکز تجارت جهانی مستلزم داشتن آگاهی هایی دقیق برای پی بردن به تقیض گویی آنها است، بقیه استدلال ها به نظر عجیب و غریب و مضحک می رسد. میساز برای تأکید بر این ایده که مأموریت برادران کوآشی «ربطی به ایدئولوژی اسلام گرایان ندارد» می گوید: «عصا یا هواداران اخوان المسلمین، القاعده یا داعش به این اکتفا نمی کردند که کاریکاتوریست های کافر را بکشند. آنها ابتدا با یگانگی روزنامه را در جلوی چشم آنها از بین می بردند.»

بالا برود... برای پی بردن به علت باید از خود پرسید: «جنایت به سود کیست؟». به نظر میساز، سوء قصد بیشتر به نفع واشتگتن است که روی رشد ژئودپرستی ضدمسلمان در خاور نزدیک حساب می کند تا برنامه سلطه جویی خود را به پیش ببرد. او از همان ۷ جنوری ۲۰۱۵ تأکید کرد که: «آمران سوء قصدها علیه شاری ابدو در پی کسب رضایت جهادگرایان یا طالبان نبودند بلکه به دنبال رضایت محافظه کاران نو و بازهای لیبرال بودند.»

چهار - طرح پرسش: جنایت به سود کیست؟

تارنمای «دیودونه» به نام «کنل پلوس» در مورد سوء قصد های شکاری ابدو می پرسد: «به راستی چه کسی حمله را انجام داد؟». «آمر آن چه کسی بوده؟ جنایت به سود چه کسی است؟». با امکان تعیین مسئول برای هر رویداد، پرسش اخیر منشأ همه نظریه های توطئه است. آیا میزان محبوبیت آقای فرانسوا اولاند پس از کشتارهای ۷ و ۹ جنوری ۲۰۱۵ درباریس افزایش شدید یافت؟ برای «مدیا-پرس انفو» چیزی بیش از این لازم نیست که موزیانه پدرخواندگی رویداد را به رییس جمهوری فرانسه نسبت دهد. یکی از کاربران می پرسد: «آیا این سوء قصد توسط سرویس های مخفی دسیسه چینی شده بود؟ تردید نیست که عوامل ایهام بخش و تیره کننده ای وجود دارد

س - تکیه بر دانش و خرد («دانشمندتر انجام دهند». این احساس خود برترینی در مدیر تارنمای «دروغ پس است». یک «فرانسوی مستعتر در ایالات متحده» نیز دیده می شود: «از زمانی که با زبان انگلیسی آشنا شده ام، به اطلاعاتی در شبکه اینترنت دست می یابم که تاکنون برای به زبان فرانسه غیر قابل دسترسی بود. بیشتر این اطلاعات «باور نکرده» و دسترسی به آنها برای مغزهای از زمان تولد مفید ما، توسط رسانه های رسمی و آموزش سنتی، دشوار بود». این لذت بودن در شمار کسانانی که از اسرار آگاهی دارند و باور به در اختیار داشتن اطلاعاتی که تنها شمار محدودی از افراد از آنها اطلاع دارند، جدا شدن از گله، از جمله جنابیت های نظریه توطئه است.



پنج - جستجوی «جزئیات مبهم و تیره»

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هفت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حقیقت الله زکی
- کاریکاتورست: خالق علی زاده
- دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
- مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
- آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان
The Daily Afghanistan

روزنامه
Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Voice